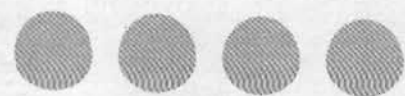


بحران توسعه در آفریقا



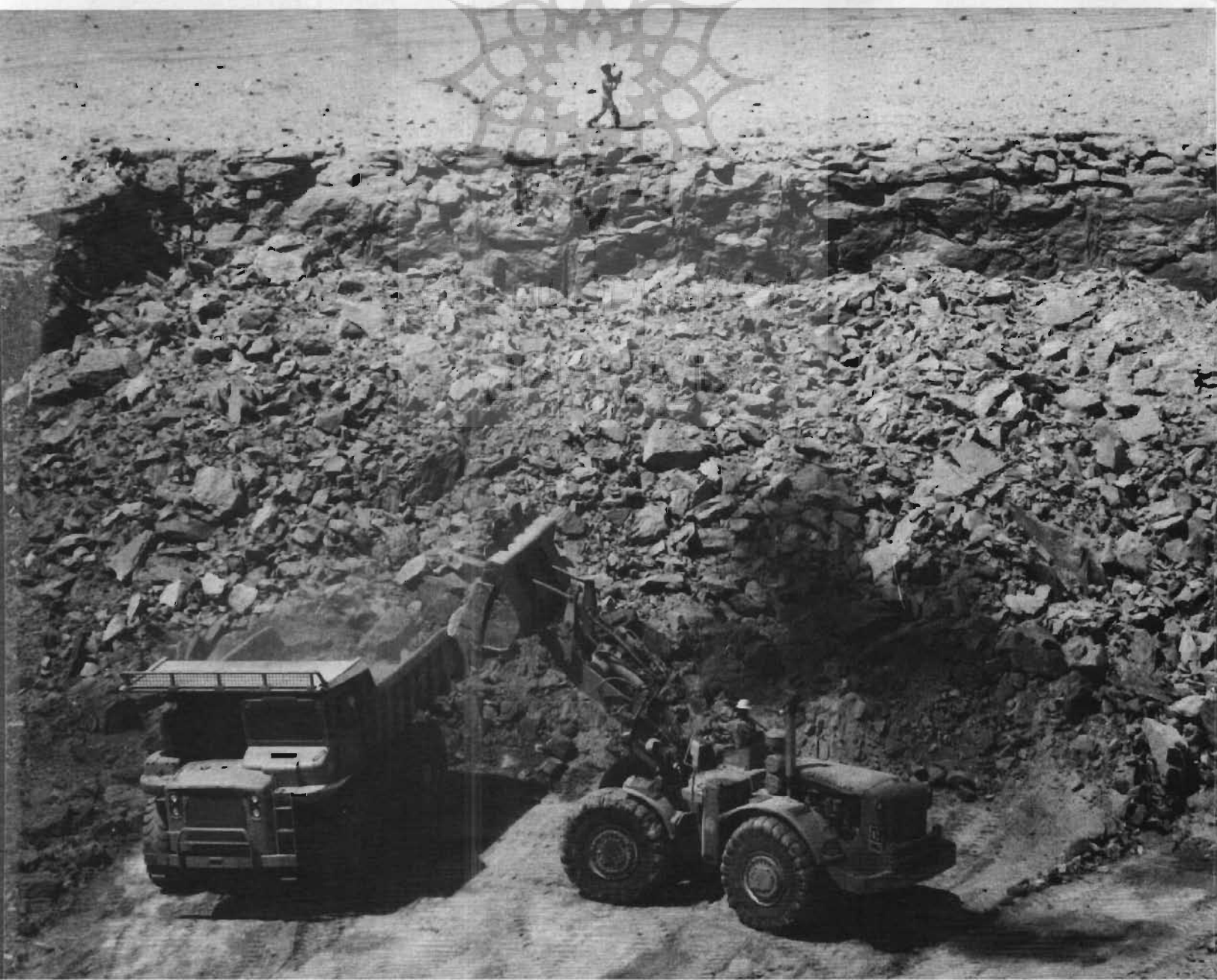
که قاره‌ای این چنین ثروتمند در وضعیت رکود و حتی پس‌رفت اقتصادی باشد.

آیا نباید علت این مسأله را در ناکافی بودن قدرت علوم و فنون آفریقا جستجو کنیم؟ به نظر می‌رسد که سازمان همبستگی آفریقا (OAU) در طی بررسی دقیق برنامه اولویت‌های بهبود اوضاع اقتصادی آفریقا به این نتیجه رسیده و متذکر شده است که هیچ کشوری بدون دارا بودن حداقل زیربنای علمی و فنی نتوانسته است پیشرفتی در توسعه اقتصادی خود به دست آورد.

۸۵٪ پلاتینیوم، ۵۰٪ کوبالت، ۵۵٪ منگنز، ۴۰٪ بوکسیت، ۱۳٪ مس، ۵۰٪ فسفات و تقریباً همان مقدار طلا و ۳۰٪ توریوم و اورانیوم جهان را داراست. معادن عظیم نیکل و سرب و آهن نیز در آن وجود دارد. علاوه بر این، پتانسیل عظیم انرژی این قاره، در حقیقت هنوز دست‌نخورده باقی مانده است. فقط ده کشور آفریقایی، در حال حاضر، در زمره تولیدکنندگان نفت هستند و در حالیکه این قاره مالک ۲۰ تا ۲۷٪ پتانسیل هیدروالکتریک جهان است، فقط بخش کوچکی از آن تحت کنترل درآمده است. بنابراین شگفت‌انگیز است

بحران کنونی توسعه که بر سراسر قاره آفریقا سایه گسترده، زنگهای خطر را برای همه به صدا درآورده است. این بحران در اثر کمبود منابع طبیعی و انسانی نیست، چه این قاره عظیم که با مساحت ۳۰/۳ میلیون کیلومتر مربع پس از آسیا بزرگترین قاره کره زمین است، علاوه بر دارا بودن نیروی عظیم جمعیت جوان (۴۶ درصد کمتر از ۱۵ سال)، ۸۰۰ میلیون هکتار زمین قابل زراعت دارد که در سال ۱۹۸۵ فقط ۱۷۰ میلیون هکتار آن زیر کشت بوده است و از نظر ذخایر معدنی جهان نیز ۹۶٪ الماس، ۹۰٪ کرومیتوم،

آفریقا ثروتی عظیم از نظر منابع طبیعی دارد که از آن جمله ۳۰ درصد منابع شناخته شده اورانیوم و رودخانه‌های عظیم با ظرفیت تأمین حدود ۴٪ نیروی الکتریسیته مورد نیاز جهان است. در زیر معدن اورانیوم آرلیت در شمال غربی نیجر دیده می‌شود.





بخش سنتی اقتصاد آفریقایی یعنی کشاورزی و بخش صنعتی مدرن در کنار یکدیگر بدون اینکه هر یک بر دیگری اثر بگذارد. در تصویر زیر سوپرمارکتی در ابیدجان، ساحل عاج، و در تصویر سمت چپ چادر پناه‌دهنده کودکان در منطقه ساحل که به علت خشکسالی نیمه‌دائمی، حداقل کشاورزی و گله‌داری در آن انجام می‌گیرد.



قاره‌ای تقسیم شده

تلاش‌های توسعه در آفریقا با مسایل متعددی روبرو می‌شود که عمده‌ترین آنها تقسیم شدن اراضی قاره، وابستگی سیستم‌های اقتصادی آن، سیاست‌ها و راهبردهای نامناسب توسعه، شرایط آموزش و بی‌سوادی گسترده مردم است. تقسیم شدن قاره به کشورهای کوچک اولین مسأله آشکار برای ملل آفریقا است. ثروت طبیعی که قبلاً به آن اشاره شد، به صورتی کاملاً ناسوای بین بیش از ۵۰ کشور با جمعیتی بیش از ۵۰۰ میلیون نفر تقسیم شده است. ده درصد این جمعیت در کشورهای مستعد خشکسالی زندگی می‌کنند.

اینها و بسیاری ملاحظات جغرافیایی و زبان‌های گوناگون، منعکس‌کننده شکافی است که از فشارهای اقتصادی، بازرگانی، علمی و فنی ناشی شده و غلبه بر آنها در کشورهایی که سرزمین‌های پاریکی هستند و محدوده مرزی آنها به وضوح مشخص نشده کاری بس دشوار است. با آمار زیر می‌توان واقعیت فوق را مجسم کرد: در



نبودن اقدامات تشویقی برای کشاورزان، عدم موفقیت در به‌کار بستن نتایج پژوهش‌ها (مخصوصاً در مورد گیاهان غذایی)، به علت توسعه محدود خدمات جنبی، نبودن سیاست قیمت‌گذاری، و مکفی نبودن نظام توزیع، ذخیره و حفاظت فرآورده‌های کشاورزی، موفق نبوده است. بخش صنعتی هنوز توسعه نیافته و شدیداً به سرمایه‌های خارجی وابسته است. بسیاری از شرکت‌ها با انتقال تکنولوژی‌های خارجی که اکثراً پیچیده و از نظر شرایط اقتصادی نامناسب است ایجاد شده‌اند و در نتیجه کالای تولید شده داخلی نمی‌تواند با اجناس مشابه خارجی خود رقابت کند.

در سال ۱۹۸۰ بخش صنعتی فقط ۹/۸ درصد تولید ناخالص محلی را در منطقه تأمین می‌کرد و سهم افریقا در تولید جهانی بر مبنای ارزش افزوده فقط ۰/۹ درصد در برابر ۲/۷ درصد در جنوب شرقی آسیا و ۶ درصد در امریکای لاتین بود.

پیشرفت آموزش و پرورش

از زمان کنفرانس کشورهای افریقایی در مه ۱۹۶۱ در آدیس‌آبابا درباره توسعه آموزش و پرورش، تلاشی چشمگیر در این زمینه به‌عمل آمده است. رأی نهایی کنفرانس بر این بود که تا سال ۱۹۸۰ کشورهای افریقایی باید آموزش رایگان ابتدایی را برای همه، آموزش متوسطه را برای ۲۳ درصد از دانش‌آموزانی که دوره ابتدایی را به پایان رسانیده‌اند و آموزش عالی را حداقل برای دو درصد فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه تأمین کنند.

در حال حاضر فقط حدود ۱۵ کشور افریقایی موفق به تأمین آموزش ابتدایی برای همه شده‌اند و یا نزدیک به آن هستند. متوسط میزان ثبت‌نام در گروه سنی شش تا یازده سال برای کل قاره ۶۲ درصد و در گروه‌های سنی دبیرستان ۲۰ درصد بوده است. ثبت‌نام در آموزش عالی نسبت به سال ۱۹۶۰ افزایش یافته است ولی در کشورهای مختلف اختلاف عمده‌یسی موجود است. هفت کشور افریقایی یعنی کپ‌ورد، کومور، جیبوتی، گینه استوایی، گامبیا، گینه بیسائو، سانتوتومه و پرنسپ هنوز تشکیلات آموزش عالی ندارند. در آموزش بزرگسالان پیشرفت‌های عمده‌یسی صورت گرفته و نرخ بیسوادی در کل قاره افریقا از ۹۰ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۶۰



نهایی فرآیندی است که سالها پیش، در دوره استعمار، با ایجاد ساختارهای اقتصادی مبتنی بر راهبردهای تولیدی‌ای که هدف اصلی‌شان تأمین نیاز کشورهای خارجی بود، آغاز شده است.

اقتصاد وابسته

با وجود اینکه ۲۵ سال از استقلال بسیاری از کشورهای افریقایی می‌گذرد، ساختار اقتصادی آنها تغییر چندانی پیدا نکرده و اقتصاد اکثر آنها اقتصادی وابسته است. سیاست‌های توسعه‌ای که اکثر این کشورها در پیش گرفته‌اند، نارسایی‌های بیشتری به‌بار آورده که عبارتست از: توسعه محدود منابع انسانی و عدم بهره‌برداری صحیح از آنها، ظرفیت بسیار کم علمی و فنی که نتیجه آن در بازده قلیل کار و سرمایه تجلی می‌کند؛ مدیریت و سازماندهی ضعیف در بخش‌های دولتی و خصوصی.

در کشاورزی — که بخش غالب اکثر اقتصادهای افریقایی است — سیاست‌ها و راهبردهای توسعه در اثر کمبود سرمایه،

افریقا یک‌درصد برآورد شده است — کسر عظیم درآمد بازرگانی و بدهی سنگین خارجی که برابر با ۴۳/۸ درصد تولید ناخالص محلی و ۱۸۷ درصد ارزش صادرات و خدمات غیرعامل* در سال ۱۹۸۴ است.

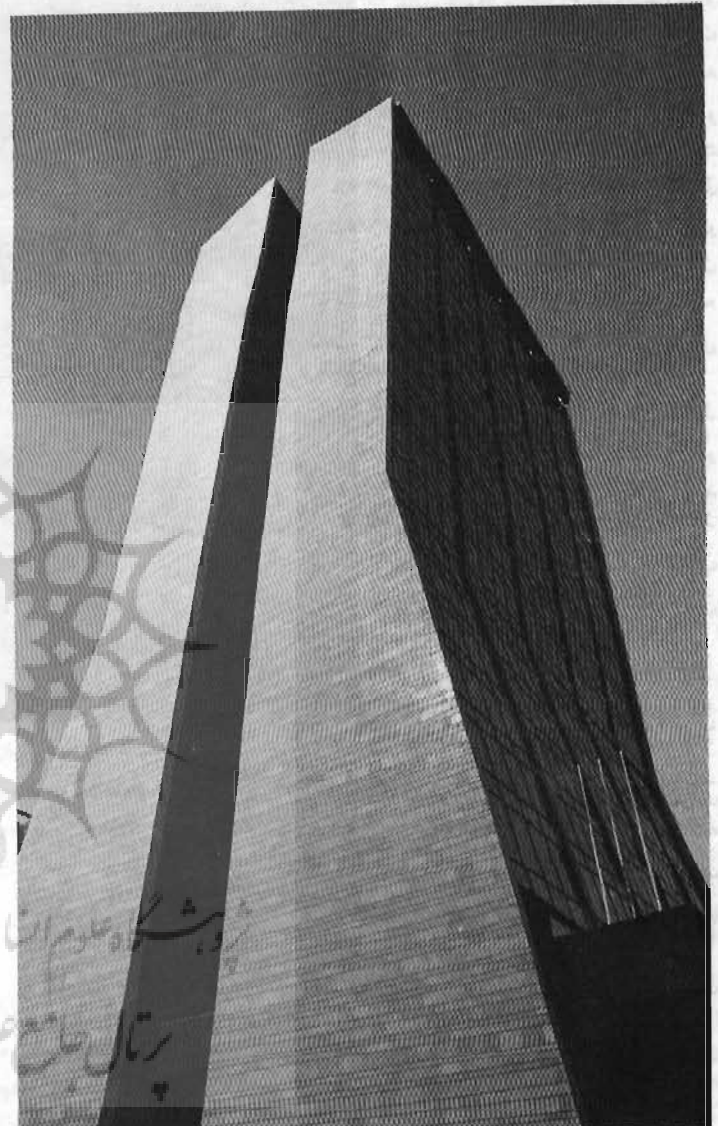
محدودیت صادرات اقتصادهای افریقایی را آسیب‌پذیرتر می‌کند. در حالی که قیمت فرآورده‌های خام در بازارهای جهانی کاهش می‌یابد، بهای کالای مصنوعی وارداتی کشورهای افریقایی برای رفع نیاز مصرف‌کنندگان هر روز افزایش می‌یابد و بدین طریق زوال کیفیت تجارت را با خود به همراه می‌آورد.

در نتیجه، بحران جهانی اقتصاد — که اکنون بیش از ده سال است که گریبانگیر شده — کشورهای افریقایی را با شدت بیشتری تحت‌تأثیر قرار داده است و بحرانی بی‌سابقه از نظر اجتماعی — اقتصادی و ذخایر غذایی در آنجا به‌وجود آورده است. این وضعیت، در اصل مرحله* درآمدهای عامل (کار و سرمایه) در این رقم وارد نشده است.

سال ۱۹۸۳، ۳۱ کشور افریقایی هر یک جمعیتی کمتر از ده میلیون داشتند. ۱۲ کشور از ۱۴ کشوری که راه به دریا ندارند و در منطقه ساحل واقعند، و ۱۲ کشور با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر در بین این ۳۱ کشور هستند. ۲۶ کشور از ۳۷ کشوری که سازمان ملل عقب‌مانده‌ترین کشورهای دنیا (LDC) معرفی کرده است در افریقا قرار دارند و از بین آنها ۲۴ کشور در رده کشورهای هستند که از نظر تولید مواد غذایی نمی‌توانند نیاز مردم خود را برآورده سازند و ۲۱ کشور در سیاهه کشورهای کم‌درآمد بانک جهانی هستند. اگر این کشورها به گروه‌های همکاری منطقه‌ای یا جوامع اقتصادی مناطق فرعی می‌پیوستند، از توسعه اقتصادی بهره‌ور می‌شدند.

همه ویژگی‌های توسعه‌نیافتگی را می‌توان در اقتصادهای افریقایی پیدا کرد. پایه‌گذاری اقتصاد بر صادرات مواد خام و وارد کردن انبوه کالاهای مصنوعی وابستگی آنها را نشان می‌دهد. نرخ پائین رشد تولید ناخالص محلی (GDP) — که در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲ برای قاره

بخش مدرن اقتصاد افریقا معمولاً تا حد زیادی به بازارهای همین‌المللی و سرمایه‌های خارجی وابسته است. در زیر معماری آینده‌نگر یک بانک در نایروبی دیده می‌شود.



درصد در سال ۱۹۸۵ کاهش پیدا کرده است.

با وجود این افریقا از نظر آموزش و پرورش در همهٔ مقاطع سنی، هنوز یکی از محروم‌ترین مناطق است. علی‌رغم پیشرفت‌های حاصله، ورود به دبیرستان برای ۳۰ تا ۴۰ درصد فارغ‌التحصیلان دورهٔ ابتدایی امری استثنایی است. در سال ۱۹۸۰، ۲۹ میلیون کودک افریقایی شش تا یازده ساله و ۳۹ میلیون نوجوان دوازده تا هفده ساله خارج از نظام آموزشی قرار داشتند.

گذشته از آمار، در افریقا نگران‌کننده‌ترین جنبه سیستم آموزشی مدرسه و دانشگاه عدم ارتباط زمینه کلی و متون درسها با نیازها و اهداف توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی افریقا است. یکی از نارسایی‌هایی که در سیستم آموزشی کنونی کشورهای افریقایی به چشم می‌خورد، توسعه محدود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و عدم توجه نسبت به آشنا کردن دانش‌آموزان با موضوعات علمی و فنی است. آموزش علوم در سطح ابتدایی تقریباً وجود ندارد و در دوره متوسطه که دانش‌آموزان برای اولین بار با علوم و فنون آشنا می‌شوند مطالب در اثر فقدان تجهیزات و مدرسان باتجربه، کاربرد عملی پیدا نمی‌کند.

آموزش علوم و فنون

در آموزش عالی، در سال ۱۹۶۱، دانشگاه‌های افریقایی، آموزش علوم به ۶۰ درصد دانشجویان پذیرفته شده را هدف خود قرار دادند. ولی هنوز هیچ‌یک از دانشگاه‌ها به‌طور ثابت به این هدف نرسیده‌اند. برطبق نتایج اولیه یک بررسی که در سال ۱۹۸۲ توسط بخش

سیاست‌های علمی و فنی یونسکو در ۱۰ دانشگاه انجام گرفت، تعداد دانشجویانی که در دوره‌های علوم و فنون ثبت‌نام کرده بودند از ۱۸/۷۶ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۲۸ درصد در سال ۱۹۸۰ افزایش یافته بود.

بنا بر آماري که بخش آموزش یونسکو منتشر کرده، درصد ثبت‌نام دانشجویان در درس علوم طبیعی و فنون در ۲۱ کشور از ۳۷ کشوری که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، افزایش پیدا کرده است. تعداد فارغ‌التحصیلان در سه رشته اصلی علوم (علوم طبیعی و مهندسی، علوم پزشکی و علوم کشاورزی) بجز در مورد ۴ کشور افریقایی یعنی سوازیلند (۵۸٪)، تونس (۵۳٪)، کنیا (۵۱٪) و مصر (۵۰٪) در بقیه کشورها کمتر از نیمی از فارغ‌التحصیلان را تشکیل داده و در بیشتر کشورها این نسبت بین ۲۰ تا ۳۰ درصد متغیر بوده است.

به‌طور کلی مشکل عمده موجود در آموزش علمی و فنی در افریقا کمبود تجهیزات در مدارس و دانشگاه‌ها و فقدان مدرسان شایسته است. به این جهت باید تأکید شود که ایجاد کمیتهٔ مشورتی منطقه‌ای در زمینهٔ نوسازی آموزش علوم و فنون در سال ۱۹۸۴، و تصمیم ایجاد کمیته مشورتی آموزش و پرورش در افریقا در بیست‌وسومین اجلاس عمومی یونسکو در سال ۱۹۸۵، کمک‌های مهمی به توسعهٔ قدرت‌های علمی و فنی این قاره است.



«پایه‌گذاری اقتصاد بر صادرات مواد خام و وارد کردن انبوه کالاهای مصنوع نشان‌دهندهٔ وابستگی، نرخ بائین رشد تولید ناخالص محلی، کسر عظیم درآمد بازرگانی و بدهی سنگین در اقتصاد افریقا است.» تصویر سمت چپ انباری ساحلی را در سان‌پدرو (ساحل عاج) نشان می‌دهد. در این کشور قهوه از محصولات عمدهٔ صادراتی به کشورهای صنعتی است.